

کشف بی سیم های نظامی هنگام انتقال به تهران



مهر اگر تادو هفته پیش خبری مبنی بر کشف تعدادی بی سیم نظامی رسانه ای می شد. چندان جلب توجه نمی کرد؛ اما پس از حادثه انفجار بی سیم های نظامی در لبنان حاسمیت ها دوچندان شده است. در پرونده کشف بی سیم های نظامی، عوامل لیگ حفاظت سازمان مدیریت حمل و نقل بار و یانانه های مسافری شهرستان هنگام گشت زنی در پایانه جنوب به یکی از مسافران اتوبوس اهواز به تهران مشکوک شدند. در بررسی به عمل آمده از این فرد ۸۲ دستگاه بی سیم دستی نظامی شامل ۲۷ بی سیم دستی موتور لوله ۵۶ و بی سیم دستی فونیکس کشف شد. متهم به همراه بی سیم های کشف شده تحویل کلانتری شد.

تصادف هم‌زمان یک زن با ۲ خودرو

اینانا از پنجاه و یک ساله در جاده لاگان رشت قصد داشت از عرض جاده عبور کند که یک راننده سمند. بی توجه به جلو باشد به این زن برخورد کرد. بر اثر شدت برخورد، زن میان سال به محور مخالف پرت شد و بایک پراید نیز برخورد کرد. با انتقال پیکر نیمه جان زن به بیمارستان، تلاش کادر درمان مؤثر نبود و زن به علت شدت جراحت جان باخت. در این حادثه یک خودروی سمند به دلیل بی توجهی به جلو و شهبان رشت به علت ایمن سازی نکردن جاده در این منطقه، مقصر شناخته شدند. بر اساس قانون تبصره ۳ رسیدگی به حوادث رانندگی، داشتن روشنائی، نداشتن نیوجرسی جداکننده مسیرهای ورود و نصب نکردن سرعتکاه در مناطق پرخطر جاده در حوادث رانندگی مؤثر است.

سرقت ۵۰۰ میلیون تومانی به بهانه نظافت

برنا، یک شهروند تهرانی برای به‌کارگیری یک نطفاجزی که منبش را تمیز کند، به سراغ سایت های اینترنتی می‌رود و توسط یکی از این سایت ها زنی جوان به عنوان نطفاجزی به او معرفی می‌شود. روز بعد نیز این کارگر به خانه او می‌آید و اقدام به تمیزکاری می‌کند و بعد از اتمام کار، دو دریافت دستمزدش، از محل می‌رود. بعد از رفتن این صاحب خانه متوجه به سرقت رفتن ۵۰۰میلیون تومان بوده فاضد را درآیالی، دو عدد نیم ستلا چهار حلقه انشتر، یک گرد بند، دو جفت گوشواره و یک رشته دست بد می‌شود، اقامی که ارزش آن‌ها ۵۰۰میلیون تومان بوده است. با شکایت مال باخته با استعلام هویت این نطفاجزی از شرکت اینترنتی، با زبیزی دووبین‌ها می‌داردست منزل مال باخته، می‌سارق و محل مخفیگاه او شناسایی می‌شود. با هماهنگی مقام قضایی، مأموران به محل سکونت نطفاجزی مراجعه می‌کنند و بخش زیادی از طلاها و نیز نقد سرقی را در داخل منزل و یو کش می‌شوند. متهم و پول به همراه برورنده به مقام قضایی معرفی می‌شود.

۶ گشته در تصادف جاده‌ای چین



مهرا به گفته مقامات چین، در یک تصادف جاده‌ای در استان هونان مرکز چین، شش نفر کشته و هفت نفر زخمی شدند. این حادثه صبح دوشنبه زمانی رخ داد که یک خودروی سواری پس از سبقت از یک تاکسی، کنترل خود را از دست داد و با چندین نفر خودروی در حال حرکت در جهت دیگر در بل لوسونگ در شهر ژوژو تصادف کرد. مصدومان تحت مداوا هستند و علت حادثه در دست بررسی است.

جان باختن ۲ خلبان در پی سقوط هواپیما

ایسنا | در سانحه سقوط هواپیمای آموزشی در شهر «بورسا»ی ترکیه، دو خلبان، جان خود را از دست دادند. در این حادثه یک فروند هواپیمای دونفره آموزشی «آپرون» در فروگاه «ینی شهر» بورساقطوط کرد. این هواپیما متعلق به یک آموزشگاه خصوصی آموزش خلبانی بوده است. تحقیقات قضایی و اداری در این زمینه آغاز شده است.

افزایش قربانیان سیل در ژاپن

قرارو در پی بارش بی سابقه باران و جاری شدن سیل در بخش هایی از استان اَشیکوا واپن، شش نفر کشته و ۱۰ نفر ناپدید شدند. سیل در دو شهر و استان سوزو رخ داده است که ۱۵۰ هزار پویش زلزله ای میگز بارانها و ویرانی به بار آورد. بارش روز یکشنبه در این دو شهر، دوبرابر بارش معمول آن ها در سال های گذشته در ماه سپتامبر بوده است. براساس گزارش های منتشر شده در ماه اردیبهشت طغیان کرده و راه ها قطع شده اند و ارتباط بیش از صد خانق طغیان قطع شده است.

گزارش

گزارش

تا آخرین لحظه تنظیم
این مطلب چشم به
آخرین اخبار طبس
دوخته بودیم تا جزئیات
جدیدی منتشر و تکلیف کارگران معقودی
مشخص شود. در تاین لحظه از مجموع
کارگانی که در دو بلوک معدن «معدنچو»
مشغول به کار بودند، فقط پیکر ۳۸ کارگر
معدن توسط خانواده‌های آن‌ها شناسایی
شده است، خانواده‌هایی که وقتی دیدند
تلفن‌های همراه پدر، همسر، برادر و
فرزندشان در دسترس نیست و کسی جواب
تلفن‌های آن‌ها را نمی‌دهد، برای اطلاع از
سرنوشت آن‌ها راهی شهرستان طبس
شدند، شهری که قرار بود عزیزان آن‌ها با
کارکردن در معدنشان، نان حلال به خانه
بیاورند. نانی که حالا به قیمت جان دادن
آن‌ها تمام است.

از میان فهرست اولیه اجساد معدنی‌ها، شناسایی مختلف، بسیاری از آن‌ها ساکن شیمی از یکدیگر در حوضی بودند که این کارگران را حسن تیموری و چهل و یک ساله و پدر چهار دختر بود، دختران دو، چهار، هشت و ده ساله. او حدود هجده ماه پیش به طبرستان رفت و در معدن «معدنجو» مشغول به کار شد. معدنی که یکی از اقوام او نیز در آنجا کار می‌کرد. این کارگر جوان در تمام مدتی که به عنوان یک معدنی مشغول به کار بود، همواره می‌گوید سختی کارش را از خانواده‌اش پنهان کند، هرچند آن‌ها هزار دستان پدرشان را پینه بسته‌تر از قبل می‌دیدند. حسن چندین هفته گذشته بعد از خستگی چندروزه، به محل کار خود باز گشته بود. شبیه شب حسن به همراه جمعی از همکارانش در بلوک B این معدن مشغول به کار شده بود. هنوز چند ساعتی از شیفت کاری آن‌ها مانده بود که حدود ساعت ۲:۳۰ صبحی یک انفجار کوچک در آن‌ها را جلب کرد؛ انفجاری که در معدن طبیعی بود و همه به آن عادت داشتند. با این حال درست پس از این انفجار، معدن‌گران در سکوت شد، دیگر هیچ‌کس بجای این معدن، صدای کوبیدن پتک معدنی‌ها

به گوش نمی‌رسید. چند ثانیه بعد حسن و همکارانش متوجه بوی CO₂ در معدن شدند؛ بویی که در واقع CO₂ یا همان گاز گاز بار منفسک‌دگرن بود، گازی که جان حسن و ده‌ها تن از همکارانش را گرفت.

● خانواده‌ای دل‌نگران راهی طبس شدند

خبر حادثه معدن در بامداد یکشنبه منتشر شد و در ساعات اولیه صبح بود که باروشن شدن ابعاد جدید حادثه، به یک باره معدن طبس تبدیل به تیر آه از بسیاری از کانال‌ها و صفحات خبری در فضای مجازی شد. آن طوره که خانواده‌های کارگران معادن می‌گویند: یکشنبه تلفن‌های همراه کارگران در منطقه از دسترس خارج شده بود؛ موضوعی که بسیاری از خانواده‌ها را به طبس کشاند. حتی تیموری یکی از همین خانواده‌ها تکران بود که به همراهه شوهرخواهرش به دنبال پیدا کردن برادر، از

مشهد راهی طیس می شوند. آن ها با سرعت زیاد در جاده حرکت کرده و ساعت حدود ۱۲ به طیس می رسند.

تیموری درباره آنچه در طیس مشاهده کرده بود، می گوید: وقتی به طیس رسیدیم، پسرموی دامادمان را که در همان معدن برای به کار بود، پیدا کردیم. آن طوکه را به من تعریف کرد، در زمان حادثه، نوبت کاری اش نبوده است، اما بلافاصله پس از اینکه خبر را شنید و می دانسته برادرم در معدن حضور داشته است، به محل کاری می رود. او به ما گفت که پس از جدجاری کمک به کارگران، همراه نیروهای امدادی وارد معدن شد و پیکر بی جان برادر را به همراه جمع دیگری از همکارانش دیده است.

● مصائب تحویل پیکرها
علی که ساعتی قبل از این گفت و گو برادرش

را به خاک سپرده است. در شرایط روحی نامناسب ادامه می دهد: پس عمویم مرگانه گلزار رضوی طیس در دهاتی که پیکر کارگران به خاک سپرده بودند. وقتی به آنجا رسیدیم، داخل پیکر حدود ۳۲ نفر کارگر مظلوم را غسالخانه اجساد آن ها غسل بدهد. اما متأسفانه به من آشرب می نمود و دمادم قطع می شد. من آنجا خانواده های داغ دار زیادی دیدم که بیشتر آن ها از شهرهای مختلف خراسان رضوی به ویژه کاشمر آمده بودند. آن ها با پیکری بی جان فرزندشان که پوربرو می شدند، تلاشان دی می زدند. او در این باره یبانی می کند: مثل خانواده یک جوان شمالی که والدینش از قاشمشهر به طیس آمده بودند. آنجائی یک بطری آب فای سرد کن پیدانی شد که یک نفره به این افراد شوکار آب برساند. هر خوشن من پیکر برادرم را در یکی از این کارخانه های

کردم. آنجا به برادرِ کم‌درد ۵۶ را داندن و به ما گفتند برای دریافت جواز دفن و کارهای اداری برای پزشکی قانونی طیس بروید. ادا را هفتند غمنا برپید و زمانه که برسید. همه را پروده اموات را بر صورت سبستی ارسال می‌کنیم. هر کسی که جسد عزیزش را برادر معدنچي کشته شده در طیس، به اشاره به از-مخ خانواده‌ها در ساختمان پزشکی قانونی شهرستان طیس می‌گوید: به ما و تمام افرادی که اجساد عزیزشان را شناسایی کرده بودند، گفتند به ما را پزشکی قانونی در خیابان نواب صفوی طیس براند. به ما همه را خانواده‌های عزادار دیگر به آنجا رسیدیم. خیلی شلوغ بود. حدود چهل دقیقه به آنجا برای رسیدن پرورده منظم ماندیم. بعد برای که پرورده پرسید، گفتند برپنتر خراب شده است. درحالی که فشار عصبی زیادی تحمل می‌کردیم، یک ساعت طول کشید تا جواز دفن را گرفتیم. باید بگویم مدیریت حادثه در آنجا شایسته حادثه‌مدن بود. وقتی به ارامستان برگشتیم، خود من دیدم پیکر بی‌بی جان هفت کارگر را با یک آمبولانس به کاشمر منتقل می‌کردند. دیگران آمبولانس ها نداشت. گروه پیکر برادر من را هم با همان آمبولانس کاشمر می‌بردند.

هیچ‌کس با خانواده کارگران لباس نگرفت
تیموری ادامه می‌دهد: ساعت ۱۹:۰۰ پیکر
بردارم را در آمبولانس گرفتیم و هر طولو که
جسد را به همراه جسد یک کارگر دیگر به
نام «حسین نوری خلیل‌آباد» یک‌دستگاه
آمبولانس که کولر و یخچال نداشت، راهی
کاشمر کردیم. برای اینکه در طول مسو
اجساد آن را بو نگیریم، مجبور شدیم روی
پیکران هالاستیک بکشیم و بعد از آن چند
قالب یخ روی اجساد بریزیم. مابه این ترتیب
نوسانیم پیکر برادر ما را به دواگاش
برسانیم و دفن کنیم، اما با وجود این
برخی خانواده ما هنوز طلایع از سرنوشت
فرزندانشان ندارند. خیلی‌ها منتظر بودند با
ای هاتماس گرفته شود و گویند چه اتفاقی
برای فرزند، همسر و پدرشان افتاده است
در این شرایط اگر ما منتظر می‌مانیم، معلوم
نبود کسی به ما خبری می‌داد یا نه.

**دردی که بر جان نشست
و دردی که از جان برفت**

بروکوش کردن احساسات پاک اولیه این خانواده، پریشان کن‌ها را از وجود لیست بلندبالای اربابان نیازمند به عضو آگاه کردند، بیمارانی به روانه تعدادی از آن‌ها به دلیل قیود نشدن عضو مورد نیاز به نشان شبیه فرزندان‌ها هاجان به جان فرزند تمسید می‌کنند.

بیمارانی که در این خانواده کالای به دریافت این مشاوره، از آنجاکه می‌دانستند ایمرم‌چدم دیگر چشم به زندگی نمی‌گشاید و احتمالاً در بازو درباری همیشه خاموش

سهل دیدا شبیه هزار و پانصد و شصت و دو پرورنده قبلی، این جوان بیست و سه ساله هم بر اثر یک حادثه به کما رفته بود. کارشناسان اورژانس با فاصله اوارا به بیمارستان ولایت منتقل کردند و تلاش مضاعفی برای بازگرداندن این جوان به زندگی آغاز شد، اما انداختن «سدایمیر محمدالدین» آهنگ رحلت به دل داشت و دیگری نمی خواست به زندگی باگردد. این زمانی برای پزشکان این مرکز درمانی مسجل شد که نتایج آزمایش ها نشان داد این جوان مشهودی دچار مرگ مغزی شده است و به زودی همچون شمع خاموش خواهد شد. این خبر بنا به سبب دوستی به خانواده اعلام شد، خبری که شویون و فریاد زیادی در پی داشت و پس از

حادثه داغ

عکس خبر

سقوط ناگهانی به عمق یک پروژه

بیبا! دقیقاً مشخص نیست مرد جوان در محل پروژه گودبرداری
بی‌مه مرده است. او نه لباس کارگران را به تن داشت و نه
هیچ مهندسان ساختمانی بود که بشود گفت برای بازدید از
بشرفتر پروژه به محل آمده بود. هرچه بود، تنها موضوعی
به مشخص بود، سقوط ناگهانی او از سطح خیابان
به عمق این پروژه بود؛ حادثه‌ای که منجر به اعزام جانگاران
بستگاه‌های هفتم و سوم آتش‌نشانی مشهد به محل حادثه
بر بلوار امیریه شد. امدادگران زمانی به این فرد رسیدند که
هائیتان نشان می‌داد او ناحیه پا دچار آسیب‌دیدگی جدی
دارد است. جانگاران در ادامه این فرد را به سطح خیابان
منتقل کردند و تحویل تکنیسین‌های اورژانس ۱۱۱ دادند.

[illegible]